



## چگونگی غیبت حضرت مهدی علیه السلام

سؤال: غیبت حضرت صاحب الامر علیه السلام چگونه است؟ آیا جسم شریف ایشان از نظرها پنهان است؟ و جسم حضرت اگر شناخته نشوند، دیده نمی‌شود؟ یا اینکه جسم آن حضرت دیده می‌شود، ولی کسی ایشان را نمی‌شناسد؟

**چگونگی غیبت حضرت مهدی علیه السلام سؤال:** غیبت حضرت صاحب الامر علیه السلام چگونه است؟ آیا جسم شریف ایشان از نظرها پنهان است؟ و جسم حضرت اگر شناخته نشوند، دیده نمی‌شود؟ یا اینکه جسم آن حضرت دیده می‌شود، ولی کسی ایشان را نمی‌شناسد؟ **جواب:** باید دانست که غیبت جسم شخص یا اشیای دیگر، و مخفی ماندن فعل و عمل انسان از انظار حاضرین، در تاریخ معجزات و کرامات انبیاء و اولیاء و خواص مؤمنین، بی‌سابقه نیست، و مکرر اتفاق افتاده است. از جمله در تفسیر آیه کریمه: «و اذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا (1) علاوه بر آنکه ظاهر آیه دلالت دارد بر اینکه خدای متعال، رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم را در هنگامی که قرائت قرآن می‌نمود، از کفاری که قصد ایزای آن حضرت را داشتند، پنهان و مستور می‌داشت، در برخی از تفاسیر است که خداوند متعال، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را در هنگام قرائت قرآن، از ابو سفیان، نضر بن حارث، ابو جهل، و حمالة الحطب، مستور می‌فرمود. آنان می‌آمدند و از نزد آن حضرت می‌گذشتند و ایشان را نمی‌دیدند (2). ابن هشام در «سیره» حکایتی از مستور ماندن وجود مقدس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از نظر ام جمیل (حمالة الحطب) روایت کرده که در پایان آن، این جمله را از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است: «لقد اخذ الله ببصرها عنی» (3) «خداوند دید او را از من گرفت و مرا از او پنهان نمود». در وقت هجرت از مکه معظمه به مدینه طیبه نیز، بر حسب تواریخ معتبر، مشرکین که بر در خانه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم برای کشتن او اجتماع کرده بودند، آن حضرت را ندیدند. بدین ترتیب که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از آنکه حضرت علی علیه السلام را مامور فرمود تا در بستر او بخوابد، بیرون آمد، و مشتکی خاک بر گرفت و بر سر آنها پاشید و (یس و القرآن الحکیم) را تا (فهم لا یبصرون) قرائت کرد، و از آنها گذشت و کسی آن حضرت را ندید (4). و در تفسیر الدر المنثور جلد 4، صفحه 186، حکایتی است طولانی راجع به خبری که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آن را از پدر بزرگوارش، و آن حضرت از امام زین العابدین و او از امیر المؤمنین علیهم السلام روایت کرده است که از شواهد این موضوع است. و نیز در تفسیر آیه کریمه: «و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون» «و در مقابل و پشت سر آنها مانعی قرار دادیم و آنها را به وسیله آن مانع، پوشاندیم، پس آنها نمی‌بینند». در کتب تفاسیر، روایاتی است که دلالت بر این موضوع دارند (5). در تاریخ زندگی ائمه علیهم السلام نیز بر این موضوع، شواهد متعددی وجود دارد، مانند غایب شدن حضرت امام زین العابدین علیه السلام از نظر ماموران عبد الملك مروان، که علاوه بر علمای شیعه، علمای اهل سنت مثل «ابن حجر» نیز آن را روایت کرده‌اند. پس مساله غایب شدن شخص، مساله‌ای واقع شده و سابقه‌دار می‌باشد. و اما خفاء عنوان و ناشناخته ماندن انسان، بدون غایب شدن بدن بسیار بسیط و ساده است و در بسیاری از موارد، محتاج به اعجاز و خرق عادات نمی‌باشد، و همواره اشخاصی را می‌بینیم که کاملا در نظرها آشکارند، ولی آنها را نمی‌شناسیم. پس از این مقدمه، در جواب سؤال گفته می‌شود: اگر چه فلسفه و صحت و فائده غیبت، به هر یک از دو نحو (غایب شدن جسم و ناشناس بودن) حاصل می‌شود و این جهات که امر امام علیه السلام مخفی باشد و کسی او را نشناسد، یا نتواند متعرض ایشان گردد و سائر هدف‌ها و مقاصد که در غیبت آن حضرت است، در هر دو حال حاصل است، اما از جمع بین روایات و حکایات تشرف افراد به خدمت آن حضرت و استفاده تفسیر بعضی از آنها از برخی دیگر، دانسته می‌شود که غیبت آن حضرت به هر دو شکل (ناپیدا شدن و ناشناس بودن) وقوع دارد، و بلکه گاهی در زمان واحد هر دو شکل واقع شده است، یک نفر ایشان را دیده و ناشناخته است، و دیگری در همان حال، اصلا آن حضرت را ندیده است. چنانکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در بعضی از وقایعی که به آن اشاره شد، بعضی می‌دیدند و بعضی نمی‌دیدند. نهایت این است که در «غیبت صغری» در برخی مواقع که مکان آن حضرت معلوم بوده است، غیبت غالبا به صورت غایب شدن جسم و بدن آن حضرت، و بلکه در بعضی حکایات، به صورت غایب شدن مکان و منزل ایشان نیز، بوده است، و بسا که حتی بعضی از نواب خاص-رضی الله عنهم- که از مکان آن حضرت مطلع بوده، و می‌دانسته‌اند که آن حضرت کجا تشریف دارند، با وجود این، آن حضرت را در آن مکان رؤیت نمی‌کردند. در «غیبت کبری» هم امکان دارد که نسبت به اغلب و اکثر مردم، غیبت به همین صورت باشد و در بعضی فرصتها و مناسبات و بعضی از مناه و امکته، نسبت به بعضی از افراد، امکان رؤیت جسم حاصل باشد، چه آنکه در حال رؤیت، آن حضرت را بشناسند (که به ندرت اتفاق می‌افتد) یا اینکه بعد از تشرف و سعادت دیدار ملتفت این موضوع شوند، یا اصلا توجه پیدا نکنند. اخبار و حکایات معتبر، این تفصیلات را روشن می‌سازد، البته بر حسب بعضی از اخبار، در «موسم»، مانع رؤیت جسم مرتفع می‌شود، ولی با دیدن جسم ایشان، کسی آن حضرت را نمی‌شناسد. مطلبی که توجه به آن لازم است این است که: غیبت جسم، بدون اعجاز و خرق عادت واقع نمی‌شود، اما پنهان شدن نام و عنوان و ناشناخته بودن، به طور عادی نیز واقع می‌شود، هر چند در بعضی مواقع، استمرار آن یا جلوگیری از التفات اشخاص به استعمال و طلب معرفت، محتاج به خرق عادت و تصرف در نفوس است که خداوند قادر متعال برای تحقق اراده خود و

حفظ ولی امر-عجل الله تعالی فرجه الشریف-تمام اسباب عادی و غیر عادی آن را به توسط خود آن حضرت و یا مستقیماً هر طور که  
مصلحت باشد-فراهم می‌سازد.»و ما ذلك على الله بعزيز»  
حضرت آیت الله صافی گلپایگانی

-----  
پی نوشتها

- 1- و هنگامی که قرآن را قرائت می‌نمائی ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت نمی‌آورند، پرده پوشیده و پنهانی قرار می‌دهیم.سوره بنی اسرائیل آیه 45.
- 2-مجمع البیان،روح المعانی،و الدر المنثور.
- 3-سیره ابن هشام،ج 1،ص 378 و 379،و روایات دیگری از «ابن مردویه»،«بیهقی»،«ابی یعلی»،«ابی نعیم»،«ابی شیبه»،و«دار قطنی»،در الدر المنثور در تفسیر آیه شریفه نقل شده است.
- 4-سیره ابن هشام،ج 2،ص 95 و 96.طبقات ابن سعد،ج 1،ص 228.کامل ابن اثیر،ج 2،ص 103.و از کتب معاصرین:مع الانبیاء فی القرآن،ص 367.
- 5-التبیان،الدر المنثور،نور الثقلین.مجمع البیان و تفاسیر دیگر.